

نظریه‌ها و روایت‌ها

تاملی در باب فلسفه‌ی تاریخ

الکس کالینیکوس

ترجمه‌ی اعظم‌فرهادی



سرشناسه	: کالینیکوس، الکس، ۱۹۵۰م - Callinicos, Alex
عنوان و نام پدیدآور	: نظریه‌ها و روایت‌ها: تأملی در باب فلسفه‌ی تاریخ / الکس کالینیکوس؛ ترجمه‌ی اعظم فرهادی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر ژرف، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ ص. ۱۳/۵×۲۱/۵ س. م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۵-۹۳-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Theories and narratives: reflections on the philosophy of history, 1995
عنوان دیگر	: تأملی در باب فلسفه‌ی تاریخ
موضوع	: تاریخ - فلسفه
موضوع	: History -- Philosophy
شناسه داده	: فرهادی، اعظم، ۱۳۳۰ -، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ع. ۵۲۷/۸: D1۶/۸
رده بندی دیویی	: ۹۰۱
شماره کتابخانه ملی	: ۳۹۳۹۵۲۸

نشر ژرف

نظریه‌ها و روایت‌ها تأملی در باب فلسفه‌ی تاریخ

الکس کالینیکوس

ترجمه‌ی اعظم فرهادی

ویرایش متن: الهه بیننده - نمونه‌سازی: دریا سا
حروف‌نگاری و صفحه‌پردازی: آریا ریاست
طراحی و آماده‌سازی کتاب: امید خاتمی - چاپ و صحافی: دانش

انتشار اول، بهار ۱۳۹۷ - تیراژ ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۵-۹۳-۷

قیمت ۳۰۰۰۰ تومان

نشر ژرف. تهران. تلفن: ۶۶۴۰۳۲۸۴

خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت (منبری جاوید)، پلاک ۳۸، واحد ۱ - کدپستی: ۱۳۱۴۹۷۲۷۹۸

Jarfpub@yahoo.com - telegram @Jarfpub

فهرست

پیش‌گفتار مترجم.....	۸
پیش‌گفتار و سپاس‌گزاری.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
۱. همدلی با شیطان؟ □ ۳۳	
فرانسیس فوکویاما و پایان تاریخ.....	۳۳
۱.۱. فوکویاما و چپ.....	۳۳
۲.۱. کوژو: از هگل تا اسالین.....	۴۲
۳.۱. فوکویاما: از اسپنگلر تا ریچارد.....	۵۳
۴.۱. تاریخ و خرد.....	۶۴
۲. تاریخ به مثابه روایت □ ۷۱	
۱.۲. ادعاهای روایت.....	۷۱
۲.۲. ویژگی گفتمان مدرن تاریخی.....	۸۴
۳.۲. در برابر واقعیت.....	۱۰۰
۴.۲. نظریه و تفسیر.....	۱۱۴
۳. تاریخ به مثابه نظریه □ ۱۳۹	
۱.۳. نظریه تاریخ چیست؟.....	۱۳۹
۲.۳. مارکس یا وبر؟.....	۱۵۷
قدرت ایدئولوژیکی.....	۱۶۱
رقابت نظامی.....	۱۶۶
کمیابی و ستیز.....	۱۷۷
۳.۳. سرمایه‌داری و انتزاع.....	۱۸۰

۴. تاریخ به مثابه پیشرفت □ ۱۹۷

- ۱.۴. معنا در تاریخ ۱۹۷
- ۲.۴. دیالکتیک پیشرفت ۲۱۰
- ۳.۴. پیدایش غرب ۲۲۷
- ۴.۴. هویت و رهایی ۲۴۶
- نقد به امپریالیسم ۲۵۰
- ندامت‌یالیسم در نظر و عمل ۲۵۵
- آندسازی انسانی ۲۵۹

نتیجه‌گیری □ ۲۷۷

نمایه □ ۲۸۷

بی‌تردید فلسفه تاریخ در معنای وسیع خود منسوخ شده است. تلاشی که بیش از همه یادآور هگل و فلاسفه‌ی روشن‌گری سده هجدهم است، تلاشی که می‌خواست تفسیر جامعی از کل مسیر تکامل تاریخی ارائه دهد، دیگر اعتبار خود را از دست داده است. لیوتار زمانی که در تعریف آن چه «وضعیت پُست‌مدرن» می‌خواند، از تعبیر «تردید درباره فراروایت‌ها»^۱ استفاده کرد؛ در واقع، تردید خود را درباره گفتمانی نشان داد که می‌خواست خود را با «تئوری آشکار روایت‌های کلان، نظیر دیالکتیک روح، هرمنوتیک معنا، آزادسازی خود با سوژه کارورز و یا آفرینش ثروت»^۲ توجیه کند. به‌رغم مخالفت خوبی‌ها، بسیاری که بحث آشکارا پایان‌ناپذیر پُست‌مدرنیسم لیوتار به راه انداختن مهاجرت اندکی از شرکت‌کنندگان این جدال نظری با ادعای او مبنی بر توجیه‌پذیری فلسفه درک نظریِ لگویی پنهان جریانِ حوادث تاریخی مخالفت کردند و این باور را به لحاظ اخلاقی و سیاسی مخدوش دانستند. فلاسفه جهان انگلیسی‌زبان مدت‌ها بود که این ادعای لیوتار را بدیهی می‌دانستند. هر چه باشد جناب کارل پوپر، دوران جنگ جهانی دوم را به نوشتن دو کتاب، «جامعه باز و دسپوتیسم» و «فقر تاریخ‌گری» اختصاص دادند تا هگل و مارکس را به عنوان بانیان تمامی نکبت سده بیستم محکوم کنند، چرا که (هر دو اندیشمند) سرمنشاء تلاش نظری بودند که جامعه انسانی را کلیتی می‌دانست که تابع فرایندهای قانون‌دار بدلیل است.^۳ فلسفه‌ی تاریخ در جهان انگلیسی‌زبان به مثابه نوعی تخصص انزلی می‌شکوفا شد و احتمالاً خاستگاه آن متونی نظیر مسئله شناخت تاریخ (۱۹۵۷) ماوریس مندلباوم^۴ و ایده تاریخ (۱۹۴۶) آر. جی. کالینگ‌وود^۵ بود. فلسفه‌ی تاریخ خود را به‌عنوان رشته‌ای متفاوت از فلسفه‌ی «نظرورزان»^۶ یا فلسفه‌ی «مادی»^۷ تاریخ برپا می‌کرد، فلسفه‌هایی که خود را حاکم نظری کل مسیر تاریخ

1. metanarrative

2. J. F. Lyotard, The Postmodern condition (Manchester, 1984), pp. xxiii-iv.

۳- «فقر و جامعه باز تلاش‌های پیکارجویانه من بودند»، کارل پوپر، خواست بی‌پایان.

Unended Quest, (London, 1976), p. 115

4. Maurice Mandelbaum

5. R. G. Collingwood

6. Speculative philosophy

7. Substantive philosophy

می‌دانستند. فلسفه «تحلیلی»^۱ یا فلسفه «انتقادی»^۲ تاریخ، برعکس، خود را به تکالیف شناخت‌شناسانه‌ای محدود می‌کرد که نوشته‌های تاریخی را به مثابه شکل متمایزی از موضوع شناخت معتبر می‌دانست و دستور کارش با آنچه بر علوم فیزیکی حاکم بود، مغایرت کامل داشت. در سال‌های اخیر، روایت‌باوری^۳ که نخست از درون کارهای فلاسفه تحلیلی نظیر آرتور دانتو^۴ و جی. بی. گالی^۵ سربرآورد و سپس به شکل ریشه‌دارتری در کتاب فراتاریخ^۶ (۱۹۷۵) هایدن وایت^۷ استحکام یافت، به دل‌مشغولی اصلی نظریه‌پردازان انگلیسی‌زبان تبدیل شد که درگیر گفتمان ماهیت تاریخ بودند. اکنون باور این بود که ویژگی شاخص نوشته‌های تاریخی نوعی قصه‌گویی است؛ از چشم‌انداز این سیوهی تبیین میثاق‌های روایی و استعاره‌های علم معانی^۸ که کتاب روایت به‌دای آن به حساب می‌آید، باید از آن ابزارهای نظری بهره برد، که در آینده‌ای تاریخی را به نحو مایوسانه‌ای ملال‌آور و منسوخ به نظر می‌رسند، معنا کنند.^۹

بدین ترتیب، در چهار اندیشه‌ی زبان دست‌کم شاهد حرکت به سوی نوع دیگری از ژرف‌اندیشی تاریخی هستیم. مورد نخست (فلسفه نظرورانه‌ی تاریخ) همان‌گونه که دانتو بیان کرده «پژوهش عادی تاریخی» است که «معطوف به ارائه گزارشی از رخداد گذشته است»، اما علاوه بر این، می‌کوشد در مقیاس بزرگ‌تری «نوعی از حاریم را کشف کند ... که معطوف کل تاریخ است».^{۱۰} دومی پژوهش عینی و تاریخی را هدف قرار می‌دهد و بر آن است که به نوشته‌ها مفهوم بیشتری بخشد و دگرگونی از فلسفه تاریخ به فراتاریخ از سنخ دل‌مشغولی‌های فلاسفه‌ی تحلیلی است. (حداقل در دوران بلافاصله پس از جنگ) تا برای شکل‌های مختلف گفتمان پیش‌گزاره وضع کنند. وایت روایت‌باوری را به مطالعه «شیوه‌های» تواناگون

1. Analytical Philosophy

2. Critical Philosophy

3. narrativism

4. Arthur Danto

5. W. B. Gallie

6. Hyden White

7. rhetorical

۸- برای نمونه، نگاه کنید به بحث‌های دیلیو. جی. والش در کتاب

و کتاب A.C.Danto, Analytical Philosophy of History (Cambridge, 1965), pp. 11-12

درباره این گفتمان. در صورت تمایل می‌توانید به بررسی اجمالی فلسفه انگلیسی‌زبان تاریخ نگاه کنید به F.R. Ankersmit, 'The Dilemma of Contemporary Anglo-Saxon Philosophy of History', History and Theory, 25, Beiheft 25 (1986)

9. Danto, Analytical Philosophy of History, pp. 1-2.

«کاربری» بسط داد که تاریخ‌دانان مورد استفاده قرار می‌دهند و به شکلی به نسبی‌گرایی تمایل دارند. برای نمونه، به نظر می‌رسد گزاره‌ی «بهترین دلایل گزینش یک چشم‌انداز در تاریخ، نسبت به دیگری، در نهایت زیبایی‌شناختی یا اخلاقی است تا شناخت‌شناسانه»، بیان نوعی بدگمانی است که رانکه^۱، به واسطه‌ی آن تاریخ‌دانان را از تظاهر به این که گذشته آن‌گونه که به راستی رخ داده (wie es eigentlich gewesen) همیشه قابل مشاهده است، نهی کرده است.^۲

این نکته را با استفاده از استعاره‌ای که اف. آر. آنکرسمیت^۳ بیان کرده به شکل دیگری نیز می‌توان بیان کرد: «همانند آب‌بندی که در پایان زمستان پوشش از یخ است، گذشته را پوسته‌ی نازکی از تفسیرهای روایی پوشانده است؛ بحث تاریخی بیشتر درباره اجزای پوسته‌ای است که گذشته در زیر آن پنهان مانده^۴، اما آن‌چه به نظر می‌رسد وایت، حداقل گاهی تکرار کرده، برداشتن کامل پوسته است. هرگونه تلاش برای جدا کردن گفتمان تاریخی از گذشته، به مثابه وحشی و بی‌سنتی استقل از این گفتمان، بی‌نتیجه است. گذشته سازه‌ای استدلالی است، ساخته‌ی شکل‌های مختلف نوشته‌ای که وانمود می‌کند «درباره» آن است، اما واقع پروردن شکل‌هایی از تصور جمعی و بازنمود گذشته است که سنت با دامن‌شولی‌های حال حاضر ما عجین شده است. هم‌گرایی این نوع ضدوابع دلایی با نسخه‌هایی از پس‌اساختارگرایی که بر این گفته‌ی ژاک دریدا استوار است که «چیزی خارج از متن وجود ندارد» ('Il n'y a pas de hors-texte')، به قدر کافی تازنده است.^۵ حضور چنین تأثیراتی را می‌توان برای مثال در بیانیه پاتریک جویس^۶، که رخدادها، باید این پیشرفت بزرگ «پست‌مدرنیسم» را نشان دهد، که رخدادها، ساختارها و فرایندهای گذشته از شکل‌های بازنمود مستند مختصات سیاسی و مفهومی و گفتمان‌های تاریخی آن‌ها قابل تشخیص نیستند.^۷

1. Ranke

2. H. White, *Metahistory* (Baltimore, 1975), p. xii.

3. F. R. Ankersmit

4. Ankersmit, 'Dilemma', p. 26.

5. J. Derrida, *De la grammatologie* (Paris, 1967), p. 227.

برای بررسی انتقادی تأثیر پس‌اساختارگرایی بر تاریخ اجتماعی اخیر، نگاه کنید به:

B. D. Palmer, *Descent into Discourse* (Philadelphia, 1990).

6. Patrick Joyce

7. P. Joyce, 'History and Post-Modernism', *Past and Present*, 133, (1991), p. 208.

مقاله جویس یکی از مجموعه مبادلاتی است که همگی عنوان «تاریخ و پست‌مدرنیسم» را با خود دارند
By Lawrence Stone, *ibid.*, 133 (1991), Catriona Kelly, *ibid.*, 133 (1991), Stone and Gabrielle M. Spiegel, *both ibid.*, 135 (1992).

چنین ادعاهایی مستلزم حرکت دیگری است. در حالی که فلسفه‌ی تاریخ تحلیلی بر تمایزی تاکید می‌کند که آن چه را دانتو «پژوهش تاریخی عادی»^۱ می‌خواند (که تلاشی است برای به تصویر کشیدن گذشته آن چنان که به راستی رخ داده (wie es eigentlich gewesen)) از فلسفه تاریخ (که می‌کوشد شأنی شناختی برای چنین پژوهشی دست و پا کند) جدا می‌کند (چرا که در حال حاضر شاهدیم که آن دو در دیگری استحاله یافته‌اند، هر دو در دسری فرومی‌ریزند). جویس تاریخ‌دانان را به مطالعه‌ی بازنمودهای گذشته و ایران جمله، «گفتمان‌های تاریخی» فرامی‌خواند که خود تولیدکننده‌ی خود هستند. فراتاریخ، خود تاریخ را می‌بلعد. به علاوه، نمی‌توان چنین پیشرفتی را صرفاً موضوع گزاره‌های برنامه‌ای دانست که جویس برشمرده. سیمون شاما تاریخ‌دان اب روز امریکایی اخیراً کتابی منتشر کرده که به دو روایت (از این راه) استفاد می‌کنیم، چرا که نمی‌خواهیم طرح این مسئله نیازمند پرسش‌های بیشتری باشد) از دو رخداد واقعی پرداخته‌است. او شرح می‌دهد که «هرچند آن داستان‌ها ممکن است گاه به چشم مشاهده‌گر چون قواعد گفتمانی تاریخ به نظر رسند، در واقع رمان‌های تاریخی‌اند، چرا که برخی قطعات ناملا ابداعی‌اند و به شکلی بر آن چه از اسناد برمی‌آید، مبتنی هستند». شاما از «وضع نسبی‌گرای ساده‌لوحی که تاکید دارد گذشته زنده شده، و چیزی جرمین نیست» که به شکلی مصنوعی طراحی شده «فاصله می‌گیرد. درهم‌بافتگی واقعیت و افانته تمهیدی است که به ما اجازه می‌دهد «با شکاف آزاردهنده‌ای بری کنیم که رخداد زنده شده را از روایت بعدی آن جدا می‌کند»^۲. بدین ترتیب هر چند شاما گذشته را سازه‌ای استدلالی در نظر نمی‌گیرد و تا آن جایی پس‌زمینه‌ی رود که جویس رفته، با این همه، او دل مشغول بازنمود گذشته است.

شرط امکان‌پذیری این مجموعه از لغزش‌های مفهومی که در آن فراتاریخ در چیزی غرق می‌شود که عرف به عنوان وجود مستقل مرجع گفتمان می‌شناسد، همان است که دبلیو. اچ. والش بیان کرده:

همچنین نگاه کنید به نقد مهم تاریخ‌نگاری پست‌مدرنیستی در:

¹ History, Historicism and Social Logic of the Text in the Middle Ages, Speculum, 65 (1990).

² ordinary historical inquiry

³ Simon Schama

³ S. Schama, Dead Certainties (London, 1991), pp. 322, 320.

خود واژه‌ی «تاریخ» مهم است. این واژه ۱) تمام کنش‌های انسانی در گذشته و ۲) روایت یا گزارش حال حاضر ما را از آن‌ها دربرمی‌گیرد. این ابهام مهم است، چرا که به یکباره دو عرصه‌ی ممکن را در برابر فلسفه‌ی تاریخ می‌گشاید. این مطالعه می‌تواند در شکل سنتی خود به بررسی مسیر واقعی رخدادهای تاریخی بنشیند. از سوی دیگر، ممکن است خود را درگیر فرایندهای اندیشه‌ی تاریخی کند، روشی که به تاریخ معنای دومی می‌بخشد.^۱

این ابهام (در واژه history که در همتیانش در زبان‌های اروپایی نظیر *historie* و *Geschichte* نیز وجود دارد) در برابر این پرسش گشوده است که تعمق نظری تاریخ باید معطوف به فرایندها و رخدادهای تاریخی باشد یا بازنمود استاتیکی آن‌ها.^۲ پیش‌تر شرح دادم که تلاقی روایت‌باوری و پساساختارگرایی با پرآختز به آن چه والش «فرایندهای اندیشه‌ی تاریخی» (یا معمولاً این رورت، فرایندهای نوشته‌ی تاریخی) به مثابه هدف پژوهش تاریخی می‌خواند، این ابهام را مرتفع می‌کند. از این روی، کاملاً با آن چه هگل بی‌اندک تردیدی «جهان تاریخی»^۳ ترسیف می‌کند، تناسب دارد که به نحوی زایل ناشدنی با تجدید حیات نئو-تئو-فلسفه‌ی تاریخ همراه است.

چرا که با تعمق بیشتر درباره این ابهام روشن می‌شود تلاشی که برای بازسازی بزرگ‌ترین روایت کاملاً این جهانی (یعنی فلسفه‌ی تاریخ هگل)، در مقالات و کتاب‌های تحسین‌شده‌ی فرانسیس فوکویا در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰، یعنی دهه پست‌مدرنیسم، اتفاق افتاده است، خود بخشی از بازگرداندن کس تاریخ روشن‌فکری اخیر است.^۴ بن‌مایه‌ی فوکوما یا که نخستین بار پیش از رخدادهایی (انقلاب‌های اروپای شرقی و تجزیه اتحاد شوروی) پس از کودتای نافرجام مسکو) که به شهرت آن انجامید، منتشر شد، از فرایندی نیرو می‌گیرد که با فروپاشی رژیم‌های استالینیستی به اوج خود رسید. او مدعی شد که این تحولات نشانه‌ی پیروزی قطعی سرمایه‌داری لیبرال

1. Walsh, Introduction, p. 6.

2. R. Koselleck, 'Historia Magistra vitae', in *Futures Past* (Cambridge, MA, 1985).

3. World - historic

4. F. Fukuyama, 'The End of History?', *The National Interest*, Summer 1989, and *The End of History and Last Man* (New York, 1992).

غرب است و از آن روی که از این پس این نظام دیگر با هیچ رقیب جدی روبرو نیست، باید آن را به منزله‌ی پایان تاریخ به حساب آورد. جدای از این که برداشت ما از این ادعاها چه می‌تواند باشد، بی‌شک باید آن‌ها را بازنمود میل به تعمق فلسفی درباره‌ی کل مسیر پیشرفت تاریخی دانست، حتی اگر بدانیم چنین نحوه‌ی نگرشی از سوی اندیشه‌ورزان کاملاً متفاوتی نظیر پوپر و لیونار به سختی مورد سرزنش قرار گرفته است.

برخی این پادرمیانی فوکویاما و بحثی را که برانگیخت، هشدار می‌دهند. سن‌فکرانه به حساب آوردند. از این روی، گوردون مارسدن سردبیر تاریخ امروز (History Today) این ادعاها را نشانه‌ی (همان‌گونه که تأثیر ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ پل‌کنندگی این نشانه‌ها را با خود داشت) بازگشت به تحلیل تاریخی، اموش‌شده‌ای دانست که برای معنا بخشیدن به زمانه‌مان به آن احتیاج دارد. درباره‌ی شباهتی که مارسدن میان متون فوکویاما و کتاب‌کندی می‌دید، تردیدهای وجود داشت. ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ (۱۹۸۹) و نخستین مقاله فوکویاما «پایان تاریخ؟» (۱۹۸۹) در فاصله‌ای کم‌تر از ۲ سال منتشر شده بودند. هر دو بحث‌های زیادی در ایالات متحد به راه انداختند و هر دو مورد توجه ان‌گه‌گاه جامعه سیاست خارجی واشنگتن^۲ خوانده می‌شود و در جهان دانشگاهی و رسانه‌های جمعی شاخه دوانده، قرار گرفتند. ادعای اصلی کتاب‌کندی و مقاله فوکویاما، پسوند (ism) مزین و به «افول‌باوری»^۳ و «پایان‌باوری»^۴ نام‌بردار شدند. بحث بحث‌ها پیرامون این بن‌مایه‌ها به طور قطع ناشی از این واقعیت بود که ایالات متحده را در زمانه‌ی عدم‌قطعیت کبیر رقم می‌زنند، هر چند سامان این بن‌مایه‌ها متناقض به نظر می‌رسیدند: کندی افول نسبی اقتصاد آمریکا را در عصر پس از جنگ در بستر چرخه‌ی تاریخی بلندمدتی قرار می‌داد، نه در آن قدرت‌های بزرگ با پا فراتر نهادن از حدود خود به انهدام پایه‌های اقتصادی‌شان گرایش پیدا کرده‌اند، در حالی که فوکویاما برعکس، آشکارا این پیش‌گویی رونالد ریگان را تایید می‌کرد که برای ایالات متحده «بهترین هنوز از راه نرسیده است».

1. G. Marsden, Preface to After the End of History (London, 1992), p.6.

2. Washington foreign policy community

3. Declinism

4. Endism